
Empowerment of Informal Settlements with Emphasis on Indicators of Good Urban Governance (Case Study: Informal Neighborhoods of Ilam City)

Mohammad Maleki ^{1*}, Mir Najaf Mousavi ²

¹. PhD in Geography & Urban Planning, Lecturer, Department of Geography & Urban Planning, Payame Noor University of Ilam, Ilam, Iran

². Professor, Department of Geography & Urban Planning, Faculty of Literature & Humanities, Urmia University, Urmia, Iran

Received Date: 16 April 2021 **Accepted Date:** 24 June 2021

Abstract

Today, one of the important approaches to control and manage this phenomenon is the approach of good urban governance. Good urban governance can be defined as the way and process of managing urban affairs or the constructive participation of the public governmental private and civil society sectors in order to achieve sustainable urban development, create a healthy city and improve the quality of life. In the present study, the informal settlement areas of Ilam city have been studied with the approach of good urban governance. The research method is descriptive-analytical. For statistical calculations and analysis of research data, statistical software SPSS, Excel and statistical techniques including t-test, F-test and ANOVA method were used. Research information has been collected in two ways: library and survey (using a questionnaire). The statistical population of the study includes six thousand households living in the informal settlement of Ilam and the sample size is 397 heads of households who were selected using Cochran's formula and simple random sampling. Cronbach's alpha coefficient was used for the reliability of the questionnaire, which was calculated to be 0.86. the evaluation of variable have been done through Likert scale. The results of studies based on the indicators of good urban governance, participation, accountability, legality, justice, transparency, responsibility, effectiveness and efficiency show that the rate of benefiting from good urban governance in Ilam is at a low level. Accordingly, the more good urban governance and its indicators implemented and administrated, the more the expansion of informal settlement controlled.

Keywords: Empowerment, Urban Management, Informal Settlement, Urban Neighborhoods, Ilam City.

* Corresponding Author: m.maleki706@gmail.com

Cite this article: Maleki, M., Mosavi, M. (2021). Empowerment of informal settlements with emphasis on indicators of good urban governance (Case study: Informal neighborhoods of Ilam city (. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSRUDS)*, 2(1), 37-58.

توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری (مطالعه‌ی موردی: محلات غیررسمی شهر ایلام)

محمد ملکی^۱، میرنجف موسوی^۲

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مدرس گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور ایلام، ایلام، ایران

۲. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳

چکیده

امروزه یکی از رویکردهای مهم برای کنترل و مدیریت این پدیده، رویکرد حکمروایی خوب شهری است. حکمروایی خوب شهری را می‌توان شیوه و فرایند اداره‌ی امور شهری با مشارکت سازنده‌ی بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه‌ی مدنی به منظور نیل به توسعه‌ی پایدار شهری، ایجاد شهر سالم و ارتقای کیفیت زندگی تعریف کرد. در پژوهش حاضر، پهنه‌های اسکان غیررسمی شهر ایلام با رویکرد حکمروایی خوب شهری مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. برای محاسبات آماری و تحلیل داده‌های پژوهش، از نرم افزارهای آماری SPSS، Excel و تکنیک‌های آماری از جمله آزمون T، آزمون F و روش ANOVA استفاده شده است. اطلاعات پژوهش به دو شیوه‌ی کتابخانه‌ای و پیمایشی (با استفاده از پرسشنامه) گردآوری شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل شش هزار خانوار ساکن سکونتگاه‌های غیررسمی شهر ایلام و حجم نمونه ۳۹۷ نفر سرپرست خانوار است که با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، که مقدار محاسبه شده ۰,۸۶ به دست آمده است. ارزش‌گذاری متغیرها با بهره‌مندی از طیف لیکرت صورت گرفته است. نتایج بررسی‌ها براساس شاخص‌های حکمروایی خوب شهری مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی، عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارآمدی نشان می‌دهد که میزان بهره‌گیری از حکمروایی خوب شهری در ایلام در سطح پایینی قرار دارد. بر این اساس، هر چه حکمروایی خوب شهری و شاخص‌های آن به خوبی اجرا و نظارت شود، گسترش اسکان غیررسمی بهتر کنترل می‌شود.

کلید واژه‌ها: توانمندسازی، مدیریت شهری، سکونتگاه غیررسمی، محلات شهری، ایلام.

^۱ نویسنده مسئول: m.maleki706@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

میزان اسکان غیررسمی در جهان رو به افزایش است، برآورد بانک جهانی تعداد فقرای شهری تا سال ۲۰۲۵ تقریباً به بیش از ۱۵۰۰ میلیون نفر خواهد رسید. حداقل ۶۰۰ میلیون نفر که بیش‌تر آن‌ها را فقرا تشکیل می‌دهند در شرایط تهدید آمیز بهداشتی در محیط‌های شهری آلوده به سر می‌برند. یک سوم ساکنان شهری در مسکن غیراستاندارد زندگی می‌کنند. حداقل ۲۵۰ میلیون ساکن شهری هیچ‌گونه دسترسی فوری به آب لوله‌کشی سالم ندارند و ۴۰۰ میلیون نفر از امکانات بهداشتی مناسب برخوردار نیستند. هم‌چنین بسیاری از مراکز شهری در محاصره مشکلاتی چون افزایش جرم و جنایت و بزهکاری، فساد و رشوه خواری و جرائم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، فحشا و نظایر آن قرار دارند. این مسائل و مصادیق نشان می‌دهد که در زندگی رو به گسترش شهری، کیفیت زندگی واجد اهمیت فراوان است، که توجه برنامه‌ریزان توسعه، مدیران و دولتمردان را به خود جلب می‌نماید.

در مدل‌های اخیر توسعه که از سوی سازمان‌های بین‌المللی ترویج می‌شود، برای بهبود کیفیت و قابلیت زندگی شهری و نیل به توسعه پایدار شهری، الگوی حکمروایی خوب شهری مطرح می‌شود که بر مبنای آن می‌توان سلامت، نظم و امنیت را با پیشرفت و رفاه به صورت توأمان محقق کرد. نظریه‌ی حکمروایی خوب شهری که مورد پذیرش نخبگان و صاحب‌نظران و تأکید سازمان‌های جهانی و به ویژه مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل موسوم به هابیتات قرار گرفته، درصدد است تا شهرها هرچه کارآمدتر، عادلانه‌تر، ایمن‌تر و پایدارتر شوند.

اسکان غیررسمی، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، سکونتگاه‌های موقت، نامتعارف و غیره از جمله جلوه‌های فقر شهری‌اند که به اشکال مختلف چهره زشت خود را در بخش مسکن نمایان می‌سازند. شرایط بد و نامطلوب زندگی برای میلیون‌ها نفر از ساکنان شهرها که از حقوق اولیه انسانی خود محرومند، نیازمند تلاش جدی اقشار مختلف جامعه، مسئولان دولتی و غیردولتی، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران مسائل شهری و منطقه‌ای است تا بتوان امکان توسعه پایدار را فراهم ساخت. بدیهی است اولین و مهم‌ترین گام برای هر نوع برنامه‌ریزی و کنترل، شناخت مسأله از طریق روش‌های علمی و منطقی خواهد بود. از این منظر شناخت و تجزیه و تحلیل موضوعات، ارائه‌ی تعاریف، طبقه‌بندی‌ها و تئوری‌های ارائه شده در ارتباط با موضوع ضروری است. ویژگی‌های اساسی سکونتگاه‌های غیررسمی در سه حوزه‌ی کالبدی، اجتماعی و قانونی قابل تمیز است. بدلیل غیر قانونی بودن‌شان دارای سرویس‌ها و خدمات شهری ناکافی و در سطح بسیار پایینی هستند. از نظر اجتماعی، اغلب ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی جز طبقات پایین جامعه‌اند و درآمد چندانی ندارند که بصورت کارگر روزمزد و یا در بخش‌های غیررسمی اقتصاد فعالیت دارند و با وجود کار طاقت‌فرسا حداقل دستمزد را دریافت می‌کنند. به لحاظ قانونی مهم‌ترین ویژگی که این سکونتگاه‌های غیر رسمی را متمایز می‌کند این است که ساکنان این سکونتگاه‌ها فاقد مالکیت زمینی هستند که خانه‌های خود را روی آن می‌سازند این زمین می‌تواند جزو زمین‌های دولتی، عمومی خالی از سکنه باشد و یا جزو قطعات زمین حاشیه‌ی شهرها مانند زمین‌های باتلاقی و نامطلوب. در این مناطق، کاربری-های ناسازگار در اغلب بافت‌ها وجود دارد، شبکه‌های دسترسی ناکارآمد، ناکافی و نامنظم با عرض کم و نفوذ پذیری پایین، فقدان سیستم مناسب دفع و هدایت آب‌های سطحی، نبود سیستم فاضلاب مناسب، نگهداری دام در منازل و غیره از شاخص‌های زیست محیطی این واحدها می‌باشند. در اسکان غیر رسمی تنها به جنبه‌ی سکونت توجه نمی‌شود، بلکه قبل از آن به عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه توجه می‌گردد. بنابراین در مقوله‌ی اسکان غیر رسمی هم به جنبه‌های فیزیکی، کالبدی و بافت‌های قابل رویت توجه می‌شود و هم به فرایندهای موجود آورنده که منبعث از متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). در نتیجه بسیاری از

افراد در سن کار و فعالیت، به امید دستیابی به موفقیت اقتصادی بهتر و رهایی از فقر، از زادگاه خود به دیگر نقاط به طور عمده از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند (شیخی، ۱۳۸۵: ۹۵).

از آنجایی که گروه‌های فقیر مهاجر هنگام ورود به شهر، امکان خرید، ساخت و یا اجاره سنگین خانه‌های آراسته و مد روز وجود ندارد بنابراین آن‌ها به مناطق حاشیه نشین پناه می‌آورند و به این ترتیب فقر باعث شکل‌گیری مناطق حاشیه نشین در محیط‌های شهری می‌شود (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۱۱۱).

سابقه‌ی شهر ایلام کنونی بعنوان یک نقطه سکونتگاهی به زمان ساسانیان باز می‌گردد. این نقطه با نام‌های گوناگونی همچون ماس‌پزان، ده بالا و ماسبندان خوانده می‌شد، تا این‌که در سال ۱۳۰۹ هجری خورشیدی نام ایلام بر این سکونتگاه اطلاق گردید. تا سال ۱۳۴۳ ایلام بعنوان شهرستانی از توابع استان کرمانشاه بود که در این سال بعنوان فرمانداری پذیرفته شد، سپس در سال ۱۳۵۳ ایلام از فرمانداری به استان تبدیل و شهر ایلام بعنوان مرکز استان معرفی گردید. نقشه شهر بنا بر اولین عکسبرداری هوایی در سال ۱۳۳۵ نشان از هسته‌ی اولیه شهر ایلام در محدوده‌ی بافت قدیمی کنونی است. در این زمان هیچ یک از محلات فقیرنشین شهر ایلام وجود نداشته‌اند. تا سال ۱۳۵۴ در اطراف هسته‌ی اولیه بخش‌هایی بویژه به سمت غرب گسترش یافته‌اند. تا این زمان نیز هنوز هسته‌های اولیه محلات فقیرنشین ظاهر نشده‌اند.

بررسی نقشه توسعه‌ی شهر نشان می‌دهد که هسته‌های اولیه‌ی شکل‌گیری محلات فقیرنشین پس از این دوران و بویژه با آغاز جنگ تحمیلی روند شکل‌گیری بافت‌های فقیرنشین موجود آغاز و بشدت گسترش یافته‌اند. محلات مورد بحث براساس فرآیند توسعه‌ی شهر در دو مقطع اصلی شکل گرفته‌اند، مقطع اول همزمان با آغاز جنگ و افزایش مهاجرت به شهر ایلام است، نقشه‌ی توسعه‌ی شهر حاکی از این است که از این مقطع تا پایان جنگ تقریباً بافت‌های حاشیه نشین موجود تغییرات گسترده‌ای به خود ندیده‌اند. اما مقطع دوم همزمان با پایان یافتن جنگ است که روند گسترش شهر شدت یافته و به تبع محلات حاشیه نشین کنونی به واسطه‌ی عوامل اقتصادی، رشد و گسترش پیدا کرده‌اند.

شهر ایلام از جمله شهرهای با ظرفیت پایین و کم اثر در سلسله مراتب شهری کشور محسوب شده و در رده‌ی شهرهای کوچک قرار دارد. اما نقش آن در عرصه‌ی منطقه‌ی ای بعنوان مرکز استان قابل بررسی است. این شهر بعنوان بزرگترین شهر استان حدود نیمی از جمعیت شهری را در مقایسه با جمعیت بیست شهر دیگر استان در خود جای داده است و طی دوره‌ی آمار (۱۳۳۵-۱۳۹۵) جمعیت آن از ۸۳۴۶ نفر به ۲۳۵۱۴۴ نفر (رشد بیش از ۲۰۰ درصد) و وسعت آن از ۱۰۱ هکتار به ۱۸۰۰ هکتار (رشد بالای ۱۸۰۰ درصدی) افزایش یافته است. به همین دلیل و با توجه به تراکم خدمات مختلف، افزایش مهاجرت جهت دستیابی به خدمات آموزشی، بهداشتی و فرصت‌های اشتغال انجام می‌گیرد و بخش غیررسمی در پناه بخش‌های رسمی اقتصادی رشد چشمگیری خواهد داشت و به همین منظور مهاجرین فاقد تخصص نیز در بخش‌های غیررسمی اقتصاد جذب خواهند شد؛ از سویی دیگر سرمایه‌گذاری در بخش خدمات و صنعت به ضرر بخش کشاورزی در استان باعث خالی شدن جمعیت روستاها و مهاجرت آن‌ها به سمت مراکز تجمع امکانات و سرمایه شده است. تداوم نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و فضایی در سطح ملی و منطقه‌ای عوارض آن در سطح شهرها جلوه گر می‌شود، تجمع سرمایه‌ها در گروه‌های مشخص در راستای سیاست قطب‌رشد، منجر به هجوم جمعیت شهرهای کوچک و روستاهای اطراف به شهرهای بزرگ می‌شود.

شکل‌گیری هسته‌های اولیه محلات سه گانه سبزی آباد، بان بور و بان برز به طور منطقی در نزدیک‌ترین فاصله به مرکز شهر شکل گرفته‌اند تا جائیکه به مرور زمان همان هسته‌های اولیه اکنون یا دارای کمترین تفاوت با سایر بافت‌های متعارف شهری هستند و یا اینکه تشخیص آن‌ها بعنوان سکونتگاه غیرمتعارف بسیار مشکل است. محلات فقیرنشین کنونی علی‌رغم دارا بودن پیوستگی مناسب با بافت‌های شهری، از ساختار مناسب شهری برخوردار نمی‌باشند. از جمله شاخص

های تعیین کننده تفاوت میان محلات دارای اسکان غیر رسمی و فقیرنشین موجود با سایر بافت های شهری ایلام، مهاجرنشین بودن و بافت بدون طرح اندیشیده‌ی آنهاست.

مدیریت امور شهری، آنهم در شرایط کنونی که شهرها با رشد شتابان و خلق مستمر مسائل جدید مواجه می باشند، وظیفه‌ای بسیار دشوار است که پایانی بر آن متصور نمی توان شد. اداره کنندگان شهر آنچنان دست به گریبان حل مشکلات حادی همچون آلودگی زیست‌محیطی، بد مسکنی، ترافیک شهری، کمبود سرانه های خدماتی، سیل عظیم جمعیت و غیره می باشند که کمتر فرصت و یا حتی توان چاره جویی برای حل ریشه ای این‌گونه مسائل و حرکت به سوی چشم اندازی مطلوب را دارند. از این رو می توان گفت، مدیریت شهری در چنین حالتی لاجرم هدف و اساس اقدامات خود را آن چنان محدود می نماید که بدون دغدغه به حیات شهر در افق بلند مدت، تنها به آب و جاروی شهر بسنده نموده است (پرهیزکار، ۱۳۹۰: ۴۳).

سکونتگاه‌های غیر رسمی بازتاب و نمادی از فقر شهری تلقی می شوند. بازتاب گسترش فقر شهری را می توان در گسست کالبدی پاره ای از نواحی مسکونی از پیکره کل شهر و در چارچوب کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری، اجتماعی، کیفیت سکونت و از سوی دیگر به حاشیه رانده شدن و انزوای اجتماعی پاره ای از گروه ها در این گونه سکونتگاه ها مشاهده کرد (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

با توجه به این که اسکان غیررسمی در زمینه‌ای از عوامل فراتر از مکان آن شکل و گسترش یافته و بر محیطی فراتر از آن نیز تاثیر می‌گذارد؛ چاره‌جویی این مساله به سیاستگذاری و اقدامات نه فقط در سطح محلی آن، بلکه در سطح ملی نیاز دارد. گرچه عواملی مانند بلایای طبیعی (زلزله، سیل، خشکسالی)، حوادث اجتماعی و سیاسی (جنگ زدگی)، ساختارهای اقتصادی (افزایش فقر شهری و ناکارآمدی بازارهای زمین و مسکن) و نارسایی‌های نظام برنامه ریزی و مدیریت شهری (عدم تأمین فضای اسکان کم درآمدها و به حاشیه رانده شدن آن‌ها) از عوامل تأثیرگذار بر گسترش شهرنشینی بوده است، لیکن انکار نقش مهاجرت های روستایی در ایجاد سکونتگاه های غیررسمی امری غیر ممکن است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش، توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی محلات شهری ایلام با تأکید بر شاخص‌های حکمروایی خوب شهری است. در این راستا سؤالات اصلی در باره‌ی موضوع به شرح زیر مطرح می گردد:

- سیستم مدیریت شهری تا چه اندازه باعث شکل گیری و گسترش اسکان غیررسمی در سطح شهر ایلام شده است؟
- چگونه می توان براساس نظام حکمروایی خوب شهری مشکلات این فضاها را بر طرف ساخت؟

مبانی نظری پژوهش

سکونتگاه‌های غیررسمی شامل مساکن خودرو و بدون هویت قانونی است که در اطراف شهرها به طور نامنظم پراکنده شده اند (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۱۵) و واحدهای مسکونی آن با مصالح بی دوام و کم دوام و فرسوده ساخته شده و تجهیزات و خدمات شهری آن ناکافی است (کاظمی، ۱۳۸۳: ۳۷۶).

تاکنون نظریه ها، راهبردها و رویکردهای متفاوتی در سراسر دنیا برای شناخت ابعاد و چگونگی برخورد با این پدیده مطرح شده و اجراء گردیده است. تخریب، نوسازی، جابه‌جایی و غیره لکن هیچ‌کدام از این روش‌ها نتوانستند که توفیق نسبی مطلوبی بدست آورند. جامعه‌ی جهانی، امروزه به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست، بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه‌ی اداره‌ی این عوامل است (ترابی، ۱۳۸۳: ۶).

بر اساس نظریه‌ی فقر، وقتی در یک جامعه‌ی فقر وجود دارد که یک یا چند شخص از سطح رفاه اقتصادی که طبق معیار های آن جامعه، حداقل معقول تلقی می‌شود، برخوردار نباشد. برای فقر با توجه به دیدگاه‌های مختلف، تعابیر و تعاریف مختلفی ارائه می‌شود. با توجه به هر کدام از این دیدگاه‌ها، نحوه‌ی اندازه‌گیری فقر و سیاست‌های مقابله با آن نیز متغیر خواهد بود. در دیدگاه بوم‌شناسی، نظریه‌های مربوط به نحوه‌ی استفاده از زمین جزء اولین نظریه‌هایی هستند که در مورد شکل‌گیری محله‌های فقیرنشین می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در این نظریه‌ها معمولاً چنین فرض می‌شود که نحوه‌ی استفاده از زمین از طریق فرآیند رقابت برای مصارف گوناگون تعیین می‌شود.

مشهورترین الگوی دینامیکی کاربری زمین را برای اولین بار فون تونن و برایاما تلاش برای ترسیم الگوهای کشاورزی در ارتباط با بازار شهری بکار برد. بررسی قانونمند ساختار درونی شهرها از بررسی ساختار شهری مکتب شیکاگو آغاز شد. در مکتب شیکاگو برای تحلیل سکونتگاه‌های غیررسمی و اساساً برای تحلیل فضای شهری باید به چهار متغیر اندازه و ویژگی‌های جمعیت، سازمان اجتماعی، محیط طبیعی و سطح پیشرفت فناوری رجوع کرد. در دیدگاه لیبرالی که مهمترین چهره آن جان اف ترنر است که با مقاله معروف با عنوان (سکونتگاه‌های شهری کنترل شده) به مطالعه‌ی سکونتگاه‌های رسمی جهان سوم به ویژه آمریکای لاتین و جنوب‌شرق آسیا پرداخته است در این دیدگاه با چرایی یا حقیقت این سکونتگاه‌ها درگیر نمی‌شود و واقعیت موجود را قهر و نتیجه‌ی نظام جهانی موجود دانسته و به ارائه‌ی راه‌کارهایی بسنده می‌کند.

مکتب وابستگی ابتدا در آمریکای لاتین و به عنوان عکس‌العملی نسبت به شکست برنامه کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین (اکلا) و نیز تحت تأثیر نو مارکسیسم، در اوایل دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. هدف مکتب وابستگی نیز طرح الگوی عام وابستگی در جهان سوم در طول تاریخ سرمایه‌داری از قرن شانزدهم به بعد می‌باشد. بدین ترتیب در جریان ارائه‌ی یک نمونه‌ی آرمانی از بنای وابستگی، به ناچار تنوعات محلی و پیچیدگی‌های تاریخی تا حدی کنار گذاشته می‌شوند. از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۹۷۰، انتقادات نسبت به سیاست‌های بالا به پایین، بخصوص در مورد خط مشی قطب‌رشد، مطرح شد.

این نظریه، که فقط یک مسیر خطی برای توسعه وجود دارد، توسعه با رشد اقتصاد یکی است به چالش کشیده شدند. در استراتژی توسعه از پایین، هدف‌های اجتماعی وسیع و انگیزه‌های داخلی در نظر گرفته می‌شود و رفع نیازهای اساسی اکثریت مردم شهری، برخورد مستقیم با فرصت‌های اشتغال به همراه بهبود بخشی به مناطق مسکونی گروه‌های کم درآمد، افزایش خودکفایی و اعتماد به نفس، تجدید نظر در قوانین شهری به نفع اکثریت مردم، تقویت سازمان‌های محلی، تامین منابع مالی در عرصه‌ی خدمات به اقشار ضعیف، اجرای برنامه‌ریزی‌های شهری و سالم‌سازی محیط زیست در مناطق پرتراکم و بهره‌مندی مردم از مزایای توسعه و امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در اولویت قرار می‌گیرند. رویکرد نیازهای انسانی به عنوان یک مسأله اساسی از آغاز قرن هجدهم مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت که در چارچوب تئوری اقتصاد به تحلیل پدیده‌ها و مسائل اجتماعی و روانی نیز می‌پرداختند. دسته‌بندی نیازهای اساسی به یک صورت نیست، برخی آن را در دو گروه جای داده‌اند. اولین دسته به نیازهای مصرفی شخصی مانند غذا، مسکن و پوشاک مربوط است و دسته‌ی دوم به خدمات عمومی اساسی مانند بهداشت، آموزش، حمل و نقل، آب آشامیدنی سالم و تسهیلات فرهنگی مربوط می‌شود. در دو دهه‌ی گذشته ارتقابخشی یا بهسازی بیش از هر رویکرد دیگری مورد توجه سیاست‌گذاران و مدیران شهری قرار گرفته است. در حقیقت بهسازی شروعی برای به رسمیت شناختن حق شهروندی و حق زندگی فقرا در شهر است.

این رویکرد در مقایسه با رویکردهای پیشین مزیت‌های فراوانی دارد و نه تنها جایگزین مناسبی برای پاکسازی و جابه‌جایی است؛ بلکه با حداقل اغتشاش زندگی اجتماعی و اقتصادی همراه است. از جنبه‌ی مدیریتی و سیاسی، این رویکرد با یک توجیه مشهور همراه بوده است، یعنی اگر نمی‌توانید با آن‌ها مبارزه کنید، به آن‌ها پیوندید که به نوعی بر

ناچاری مدیریت موجود در پذیرش واقعیت سکونتگاه های غیر رسمی و الزام ارائه برنامه های قابل پذیرش دلالت دارد. توانمندسازی راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است که شرایطی را فراهم می آورد تا زندگی اقشار کم درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت های درونی و اولویت بندی نیازهایشان توسط خودشان بهبود یابد، این رویکرد تقریباً ریشه در تفکر پلورالیسم یا جمع گرایی دارد. از این رو درصدی است تا در ساخت جامعه هیچ گروه معین و همسوز نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر دیگر گروه های جامعه، تسلط مطلق نداشته باشد.

هنگامی که مشارکت مردم به عنوان یک ارزش اجتماعی در جامعه پذیرفته شد، همچون وسیله ای بسیار مهم برای رفع بسیاری از نیازهای اساسی و عمومی محلی، منطقه ای و ملی به کار می آید. بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات ضعیف، رهیافت نوینی است که به دنبال شکست و عدم موفقیت راهبردهای قبل از خود ارائه گردید و راه حل مسأله ای فقر شهری و اسکان غیر رسمی را تنها بر مهندسی فنی و تزریق منابع مالی دولتی نمی بیند. بلکه در کنار و مقدم بر آن ها مهندسی اجتماعی با حمایت بخش عمومی و سازمان های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان مورد نظر است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ یک شیوهی جدید از جانب بانک جهانی و سازمان ملل متحد و موسسه بین المللی توسعه ای ایالات متحده به تدریج اتخاذ شد که بر اساس آن، دولت ها و تسهیلات بهبود شرایط فقرا را شکل داده و این اجتماعات فقیر هستند که خود، راه ارتقای خود را می یابند (Narayan, 2002:13-14).

در واقع توانمند سازی، ایجاد چارچوب های قانونی، نهادی، اقتصادی، مالی و اجتماعی برای افزایش کارایی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی در توسعه ای بخش مسکن است (پوگ، ۲۰۰۲: ۳۲۸). راهبردهای توانمندسازی بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبود شرایط زندگی افراد تأکید دارد تا آنان شرایط زندگی خود را با توجه به اولویت ها و نیازهایشان بهبود بخشند. ارتقاء بخشی همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافتی نوین برای حل مسأله ای فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تنها، تزریق منابع مالی را راهگشا نمی داند، بلکه بر مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان های غیر دولتی و محلی و مشارکت فعال افراد جامعه محلی نیز، تأکید فراوان دارد (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۷).

مدیریت شهری

تعاریف مختلفی از سوی صاحب نظران و نویسندگان در مورد مدیریت به طور کل و مدیریت شهری بطور خاص ارائه شده است؛ اما وجوه و مفاهیم مشترکی در همه آنها یافت می شود. در همه ای این تعاریف این نکته مورد نظر بوده است که مدیریت، روش دستیابی به اهدافی می باشد که برای سازمان در نظر گرفته شده است. لیکن برای ارائه تعریفی جامع می توان گفت که مدیریت به کار کردن افراد و گروه ها برای رسیدن به مقاصد سازمان گفته می شود. وظایفی که بر عهده هر مدیر گذاشته می شود نیز عبارتند از برنامه ریزی، سازماندهی، نظارت و انگیزش. این وظایف با هم مرتبط اند و فرقی هم نمی کند که در کدام سازمان و یا در چه سطح مدیریتی مطرح شوند (سعیدنیا، ۱۳۸۳: ۲۱).

مدیریت شهری، هم به وظایف روزمره و هم به برنامه ریزی های درازمدت مربوط می شود. از سوی دیگر، شهرداری به تصمیم گیری، جستجوی راه هایی برای توافق، توسعه ای همه جانبه ناحیه شهری بعنوان یک هویت فیزیکی، توسعه ای فعالیت های اقتصادی و اجتماعی که رفاه و بهبود وضعیت همه ای ساکنان شهری را بدنبال دارد؛ می پردازد. این مسئولیت های عمومی است که وجود یک «حکومت شهری» را توجیه می کند.

بنابراین حکومت شهری، نه یک مؤسسه منشعب شده از سطوح بالاتر حکومتی است و نه یک تشکیلات اداری غیر وابسته که در حوزه عملش قدرت مطلق دارد. در جوامع پیشرفته ای حکومت شهری مشروعیت خود را از انتخاب کنندگان

می‌گیرند زیرا وظیفه اش خدمات رسانی کارا به شهروندان است که اعضای شهرداری را انتخاب نموده‌اند. مدیریت شهری ابزاری است که بوسیله‌ی آن می‌توان توسعه‌ی مشارکتی و پایدار را بوجود آورد. شهرداری معادل مدیریت شهری نیست ولی هسته‌ی مرکزی مدیریت شهری را تشکیل می‌دهد و وظیفه هدایت، نظارت و جلب مشارکت سایر عوامل مؤثر بر مدیریت شهری را بر عهده دارد (همان: ۱۱۲).

توانمندسازی

توانمندسازی، شیوه‌ای برای ارتقاء شرایط اجتماع محلی از راه گسترش و به‌کارگیری ظرفیت موجود است. در حقیقت توانمندسازی برنامه حل مسأله‌ای از درون بر پایه توسعه اجتماعات محلی است، به نحوی که الگوهایی از توسعه‌ی درون زای محلی شکل گرفته که می‌تواند به سایر اجتماعات تعمیم داده شود. در این الگو ظرفیت‌های محلی برای پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماع شکوفا می‌شود که در آن مشارکت به مثابه‌ی نکته‌ی کلیدی در جهت بهره‌گیری از توان جمعی نگریسته می‌شود.

یکی از مسائل مهم و اساسی در برنامه ریزی توسعه‌ی اجتماع محلی درک نیاز و توانمندی‌هایی است که در سطح محل ضرورت اقدام را توجیه می‌کند یا به عبارتی ظرفیت جامعه‌ی محلی است که زمان و مکان اجرای راهبرد توسعه‌ی اقتصاد محلی را تعیین می‌کند. ظرفیت اجتماع محلی عبارت است از قابلیت و توانمندی اجتماع محلی برای شناخت، گسترش توانمندی انسانی، فرصت‌های اقتصادی، مناسبات اجتماعی و منابع اکولوژیک در راستای بهبود پایداری اجتماع (ایراندوست، ۱۳۸۷: ۴۸).

در توانمندسازی فقرا، اگرچه توانمندسازی سیاسی، مدیریتی و ظرفیت‌سازی مشارکتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اما توانمندسازی اقتصادی پایه‌ی اصلی را تشکیل می‌دهد که بر بهبود شرایط کاری و درآمدی مردمی که غالباً در بخش غیررسمی شاغلند استوار است. در حقیقت در این زمینه گسستن زنجیره‌ی فقر، به کارگیری سرمایه‌ی اجتماعی، انسانی و ظرفیت‌سازی در تشکیل و گسترش آن در ارتباط با بهبود شرایط اقتصادی است. در توانمندسازی اجتماعات کم درآمد، رشد اقتصادی یک ضرورت است، اما رشدی که از درون و در برگیرنده و بهره‌مندکننده‌ی عادلانه جمع باشد. در واقع در این رهیافت هدف تحویل فرآیند توسعه نیست، بلکه هدف تحول فرآیند منجر به توسعه است (صرافی، ۱۳۸۱: ۱۰).

برنامه‌ریزی و مطالعات توانمندسازی در ایران بسیار جدید و کم سابقه هستند و از سال ۱۳۸۰ وارد مراحل سازماندهی محلات غیررسمی ایران شد. ابتدا مطالعاتی به صورت راهنما در شهرهای زاهدان، بندرعباس و کرمانشاه انجام شد و سپس الگوهای این مطالعات با تغییراتی در مورد سایر مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ به کار گرفته شد.

چهارچوب اصلی و اولیه این مطالعات برگرفته از تجارب بسیاری از کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی، آفریقا و آمریکای لاتین در شرایط بحرانی و رویارویی با فقر و نابسامانی شهری است که با استفاده از نظریات جدید برنامه ریزی شهری توسط آژانس‌های بین‌المللی و بانک جهانی از سال‌های ۱۹۸۰ م سازمان داده شده است. طرح‌های توانمندسازی دارای وجوه اجتماعی (ارتقاء اجتماعی)، اقتصادی (توانمندسازی اقتصادی)، کالبدی (مشارکت برای ارتقاء محیط کالبدی) می‌باشد. راهبرد تحقق این اهداف؛ سازماندهی اجتماعی و مشارکت عمومی برای سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری، انتخاب راه حل‌های مختلف، ایجاد مدیریت درونی، فراهم نمودن شرایط اجرا سیاست‌ها و تبدیل این خواسته‌ها به پروژه‌های اجتماعی، عمومی و اقتصادی، مدیریتی، نهادسازی کالبدی، زیربنائی و محیطی است (مهندسان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۵: ۳۷). در طی نیمه‌ی دوم قرن بیستم کشور‌های مختلف شیوه‌های گوناگونی را برای حل مسائل ناشی از سکونتگاه‌های غیررسمی و چالش‌های موجود در سر راه این ساکنان بکار بردند که از هر کدام از این تجربیات، درس‌های آموزنده‌ای می‌توان گرفت.

تجربه‌ی بنگلادش

این کشور از فقیرترین کشورهای دنیا محسوب می‌شود. روستاییان فقیر این کشور دلیل نداشتن سرمایه در دور باطل درآمد کم، پس انداز کم و سرمایه‌گذاری‌های کم اسیر گشته و بخش عمده‌ای از درآمد ناچیزشان، علی‌رغم کار طاقت فرسا و مهارت زیاد به جیب رباخواران و سایر وام‌دهندگان پول می‌رود. در این رابطه تأسیس گرامین بانک در سطح روستاهای کشور بنگلادش و سایر کشورها نقش مؤثر و بسزایی در کاهش و تخفیف فقر چه در سطح کشور بنگلادش و چه در سطح سایر کشورهای جهان داشته است. فقدان سرمایه بعنوان مهمترین عامل ایجاد فقر در بنگلادش بوده است. افراد فقیر بدان سهولتی که برای سایر افراد جامعه میسر است، به سیستم‌های اعتباری و بانکی دسترسی ندارند؛ زیرا فاقد هر گونه تضمینی برای دریافت وام هستند. سیستم‌های بانکی رایج نیز، آن‌ها را در دام قرض، فقر و بهره‌کشی اسیر نموده است. یکی از افراد مشهوری که در این کشور با نگاه به اوضاع نابسامان و نامطلوب زندگی فقرا به فکر چاره‌ای اساسی افتاد، دکتر محمد یونس، طراح گرامین بانک است. در زمینه‌ی اصول گرامین بانک و اهداف آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- گرامین بانک، بانکی در مالکیت فقرا است؛ یعنی از همان ابتدا به گونه‌ای طراحی شده است که کنترل و مالکیت آن در اختیار خود افرادی باشد که از آن وام می‌گیرند. ارائه‌ی وام به فقیرترین افراد جامعه از اصول و اهداف اساسی این بانک می‌باشد.

- تضمین وام‌گیرندگان در دست خودشان خواهد بود. گرامین بانک مبتنی بر تشکیل گروه‌های پنج نفره است. افراد این گروه‌ها داوطلبانه انتخاب می‌شوند. آن‌ها متعهدانه یکدیگر را (وام‌گیرندگان) برای گرفتن وام، تضمین می‌کنند و در این رابطه، نیازی به نظام مرسوم بانکی برای وام نیست.

- نظارت دقیق حاکم بر گرامین بانک وجود دارد. نظم و انضباط شدید، نظارت دقیق، مشخص بودن وظایف در واحدهای مختلف و قدرت اجرایی قابل ملاحظه بانکداران از مشخصات این نظام بانکی است.

- بانک، یک وام مسکن ۱۰ ساله به مبلغ ۳۰۰ دلار برای فقرا فراهم می‌کند. بهره وام مسکن، ۸ درصد است. این خانه‌ها با وجود ارزانی، از ظاهر و کیفیت بسیار خوبی برخوردارند به گونه‌ای که خود مهندسان و اقتصاددانان بانک مذکور نیز هرگز فکر نمی‌کردند خانه‌های ۳۰۰ دلاری آن‌ها بعنوان یک طرح معماری معتبر از سوی هیأت داوران سوئیس شناخته شود و جایزه بهترین طرح مسکن را به خود اختصاص دهد. از عملکردهای مثبت این بانک می‌توان به این موارد اشاره نمود: ایجاد ثروت، بازپرداخت به موقع وام، ارائه وام به زنان، تقویت گروه‌های پس انداز، افزایش تعداد متقاضی، افزایش درآمد خانوار و کاهش فقر (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۲۱۷-۲۱۸).

تجربه‌ی هند

در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دولت هند بیش‌تر بر رویکرد جابه‌جایی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی تأکید داشت؛ در حالی که این کار دو عیب بزرگ داشت. یک؛ آن که این افراد در اقتصاد شهر ادغام شده بودند و لذا جابه‌جا کردن آن‌ها پیامد منفی اقتصادی داشت؛ دوم؛ این که بیرون راندن سکونتگاه‌های غیر رسمی از مراکز شهری و گره‌گاه‌های حمل‌ونقل، اغلب به معنای ایجاد سکونتگاه‌هایی در حاشیه‌ی شهرها و بدور از بازار اشتغال بود؛ که باعث وخیم‌تر شدن وضعیت رفاهی این خانوارها می‌شد.

با توجه به این واقعیات، دولت برنامه‌های خود را برای بهسازی این سکونتگاه‌ها، آن‌چه در کانون توجه قرار داشت تأمین زیر ساخت‌ها از طریق برنامه ملی توسعه سکونتگاه‌های غیر رسمی بود. از میان برنامه‌هایی که با همکاری اجتماعات محلی انجام می‌شود، تجربه‌ی صندوق (کلیف) بسیار موفق بوده است؛ و در سطح جهانی توجه زیادی را به خود جلب کرده

است. این صندوق، سازوکاری است که دسترسی سازمان‌های تهیدستان شهری را به سرمایه تسهیل می‌کند. این صندوق که چند سالی است در هند فعالیت می‌کند تا دسامبر ۲۰۰۴، ۱۰ پروژه‌ی توسعه متکی به اجتماعات محلی و ۸ پروژه‌ی احداث مسکن امن و قابل تملک برای ۲۸۱۶ خانوار و دو پروژه‌ی تأسیسات بهداشتی برای استفاده‌ی ۲۰۰ هزار خانوار سکونتگاه‌های غیررسمی در بمبئی و پون را به اجرا در آورده است.

هدف اصلی آن تجهیز ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به دارایی‌های مالی و غیرمالی از هر دو بخش دولتی و خصوصی است. این انجمن در پی برنامه ریزی، مدیریت و اجرای پروژه‌های توسعه‌ی سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از متخصصان و کارشناسان نیست، بلکه میانجی راه‌حل‌های کلان اجتماعات تهیدستان و سازمان‌هایی است که با آن‌ها کار می‌کنند. (کلیف) با اجتماعات تهیدستان و شبکه‌های آن‌ها کار می‌کند و این ظرفیت را دارد که پولی را که از پس اندازها و طرح‌های اعتباری این اجتماعات بدست می‌آید مدیریت کند. این صندوق به این اجتماعات کمک می‌کند تا ریسک توسعه‌ی پروژه‌های خود، از جمله ریسک‌های سیاسی و مالی را مدیریت کنند و تخفیف دهند و به این ترتیب به آن‌ها کمک می‌کند تا به هدف‌هایی در مقیاس بالاتر دست یابند (آمایش و توسعه‌ی البرز، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

تجربه‌ی برزیل

تجربه‌ی برزیل در زمینه‌ی توسعه‌ی شهری، ساماندهی شهرها و ساماندهی مالکیت زمین در سکونتگاه‌های غیررسمی بیش‌تر محصول ابتکار دولت‌های شهری مختلف است و درس‌های آموزنده‌ای به همراه دارد. اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد برزیل شاهد چرخش روندهای تقابلی میان دولت‌های فدرال ایالتی و شهری در برخورد با مسائل اجتماعی ناشی از گسترش و رشد سکونتگاه‌های غیررسمی در سراسر کشور بود. آن‌هایی که در ابتدا خواستار برچیدن سکونتگاه‌های غیررسمی بودند به سمت شهری کردن این نواحی از طریق تحکیم اشتغال برآمدند. در دهه‌ی ۱۹۹۰ در پی شکل‌گیری ساختار جدید نهادی و قانونی مرتبط با سیاست‌های حفاظت از محیط زیست، مساله سکونتگاه‌های غیررسمی ابعاد تازه‌ای پیدا نمود زیرا این سکونتگاه‌ها بطور عمده در مناطقی با مخاطرات زیست محیطی قرار داشتند که تحت حمایت قوانین ایالتی و فدرال بود. مداخله‌ی گسترده در این حوزه با استفاده از صندوق‌های ملی و کمک‌های بانک جهانی و بانک توسعه‌ی کشورهای آمریکایی آغاز شد. بسیاری از این سرمایه‌گذاری‌ها به قصد حل مشکلات مربوط به اسکان غیرقانونی صورت گرفت و این کار در صورت امکان با انتقال و جابجایی خانوارها و تأمین خدمات شهری برای آن‌ها انجام می‌شد. فرایند دموکراتیزه شدن باعث گسترش مشارکت مردم در اداره‌ی امور عمومی شد و دولت را وادار کرد تا نقش سازمان‌های محلی را در فرایند توسعه‌ی شهری و ساماندهی مالکیت زمین در سکونتگاه‌های غیررسمی بپذیرد.

در سال ۱۹۹۵ با نیرومند شدن جنبش‌های اجتماعی مردم برای مسکن و پر رنگ شدن حضور آن‌ها در صحنه‌ی ملی، مساله‌ی سکونتگاه‌های غیر رسمی بار دیگر مورد توجه جامعه و دولت قرار گرفت. در فاصله‌ی ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ برنامه‌ی هبیتات برزیل برای حل مشکل سکونتگاه‌های غیررسمی تدوین شد. تأمین مالی این برنامه را دولت فدرال با اخذ وامی به مبلغ ۴۵۰ میلیون دلار از بانک توسعه‌ی کشورهای آمریکایی بر عهده گرفت. این وام میان ۱۳۸ شهر منتخب توزیع شد. از آن‌جا که این وام، دولت‌های شهری را بدهکار نمی‌کرد به یکی از منابع اصلی تأمین مالی پروژه‌ها و برنامه‌های بهسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی و ساماندهی مالکیت زمین تبدیل شد (آمایش و توسعه‌ی البرز، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

تأسیس خدمات شهری در سکونتگاه‌های مخاطره آمیز نیز از دیگر برنامه‌هایی است که اعتبارات قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. به موازات سرمایه‌گذاری در مسکن، دبیرخانه ملی برنامه‌ریزی شهری نیز تلاش‌هایی را برای ساماندهی زمین در سکونتگاه‌های مخاطره آمیز انجام می‌دهد تا حق مالکیت بر اراضی و خانه‌ها را تضمین کند. این سیاست‌ها گویای این است که برزیل به هدف‌های توسعه هزاره خود بخواهد شماره ۱۱ که ناظر بر ارتقای استاندارد زندگی ساکنان سکونتگاه‌های غیر رسمی است وفادار است (آمایش و توسعه‌ی البرز، ۱۳۸۸: ۱۴۰).

پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به درگیر بودن بسیاری از کشورهای جهان بویژه کشورهای در حال توسعه با این پدیده‌ی شهری، مطالعات و پژوهش‌های فراوانی پیرامون این موضوع و سیاست‌ها و راهبردهای ساماندهی و توانمندسازی اسکان غیر رسمی صورت گرفته است. در ایران نیز مطالعاتی توسط اندیشمندان، محققان، سازمان‌ها و نهادهای مسئول به انجام رسیده است. شمعی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان راهبردهای توانمندسازی حاشیه‌نشینان شهری با استفاده از تکنیک QSPM (مطالعه‌ی موردی: شهرک شهدای سنقر) به این نتیجه رسیده‌اند که منطقه‌ی حاشیه‌نشین مورد مطالعه از نظر وضعیت موجود بر اساس ماتریس ارزیابی درونی و بیرونی در وضعیت متوسط قرار دارد و به عبارت دیگر منطقه حاشیه‌نشین نتوانسته از نقاط قوت بهره‌برداري لازم را نماید و در استفاده از فرصت‌های موجود بی بهره بوده است. هم-چنین نتوانسته از عواملی که موجب ضعف و تهدید آن می‌شود، دوری‌گزیند.

پیری و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان امکان‌سنجی بکارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ناحیه گلشهر مشهد با استفاده از روش SWOT به ارائه رهیافت توانمندسازی در ساماندهی ناحیه شهری فوق می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که این رهیافت با تأکید بر قابلیت‌ها و توانایی‌های ساکنان، ضمن حفظ کرامت انسانی حاشیه‌نشینان، بهتر از سایر راهبردها در بهسازی و ساماندهی محیطی اثرگذار است.

داداش پور و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان تحلیل نقش توانمندسازی ساکنان در بهسازی کالبدی-محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه‌ی موردی: محدوده‌ی شرق کال عیدگاه شهر سبزوار به این نتیجه رسیده‌اند که بین سطح توانمندی ساکنان و میزان تمایل آن‌ها برای مشارکت در بهسازی کالبدی-محیطی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و در درجه‌ی اول توانمندسازی نهادی، سپس توانمندسازی اجتماعی و در درجه‌ی بعدی توانمندسازی اقتصادی می‌تواند در افزایش مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی کالبدی-محیطی مؤثر باشد.

قرخلو و شریفی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاشیه‌نشین محله‌ی عین ۲ اهواز به بررسی تطبیقی از سیاست‌های فراملی و ملی، فرایند توسعه‌ی فضایی محله‌ی حاشیه‌نشین پرداخته و سپس الگوی توسعه‌ی فیزیکی منطقه در دوره‌ی زمانی ۱۳۷۵-۱۳۳۵ و هم‌چنین وضع موجود کاربری اراضی این محله را تبیین نموده‌اند.

داونر ۱ (۲۰۰۰)، به بررسی اصول و رهنمودهای اجرای حکمروایی مطلوب شهری پرداخته است. وی پنج مؤلفه مهم حکمروایی خوب شهری را کارایی و اثربخشی، مساوات و برابری، مشارکت، پاسخگویی و امنیت معرفی کرده و برای هر مؤلفه چند شاخص مشخص کرده است.

موریتا و زالکه ۲ (۲۰۰۷)، در پژوهشی به ارتباط نقش قانون، حکمروایی خوب و توسعه پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حکمروایی خوب نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار دارد به گونه‌ای که مدیریت مؤثر انسان، طبیعت و منابع مالی جهت عدالت و توسعه پایدار توسط آن انجام می‌شود.

کاداگو ۳ و همکاران (۲۰۱۸)، در پژوهشی به بررسی حکمروایی مطلوب شهری، فعالیت‌ها، روابط و پارادایم‌ها در نایروبی پرداخته‌اند و شفافیت و پاسخگویی را از مهم‌ترین معیارهای حکمروایی مطلوب در این شهر برشمرده‌اند.

-
- 1 - Downer
 - 2 - Morita and Zaelke
 - 3 - Kadago

روش پژوهش

روش پژوهش در مطالعه حاضر تلفیقی از مطالعات توصیفی - تحلیلی برای دست یابی به اهداف مورد نظر است. با توجه به موضوع مورد بررسی و ماهیت کاربردی پژوهش، جمع آوری اطلاعات به دو شیوه‌ی اسنادی و پیمایشی بوده است. در قسمت اسنادی از روش‌های تاریخی، توصیفی و تحلیلی مبتنی بر اطلاعات آرایه شده در اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، مراجعه به مراکز علمی و پژوهشاتی، دانشگاه‌ها، مراکز اداری و سازمان‌ها، آمار نامه‌ها و نقشه‌ها استفاده شده است. متداول‌ترین روش برای دستیابی به اطلاعات اولیه یا داده‌های آماری اخذ آن بصورت مستقیم از ساکنان و مدیران شهری است که از روش مشاهده و پرسشنامه استفاده گردیده است؛ اطلاعات حاصل از سؤالات پرسشنامه پس از جمع‌آوری، با نرم افزارهای آماری تحلیل شده تا اهداف مورد نظر این پژوهش محقق شوند.

برای محاسبات آماری و تحلیل داده‌های پژوهش، از نرم افزارهای آماری SPSS، Excel و مدل‌های برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای از جمله ضریب پراکندگی، آزمون T، آزمون Tukey، روش ANOVA و برای تهیه و ترسیم نقشه‌ها از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است.

به منظور سنجش نواحی یازده گانه و سه محله دارای سکونتگاه غیررسمی از لحاظ شاخص‌های حکمروایی خوب شهری؛ هفت شاخص پاسخگویی، مسئولیت پذیری، قانون مندی، مشارکت، شفافیت و اطلاع رسانی، عدالت و برابری، کارایی و اثربخشی، انتخاب و مورد سنجش قرار گرفته است.

برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. ارزش گذاری متغیرها با بهره‌مندی از طیف لیکرت صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه خانوارهای ساکن محلات دارای اسکان نامتعارف شهر ایلام است و از لحاظ آماری دارای احتمال برابر جهت انتخاب بوده و نحوه‌ی انتخاب آن‌ها براساس روش‌های علمی مرسوم در علم آمار و بصورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. با توجه به استفاده از پرسشنامه در مراحل پژوهش، برای تعیین تعداد نمونه از فرمول کوکران بهره‌گرفته شده است که حجم نمونه ۳۹۷ نفر سرپرست خانوار تعیین و برای پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ، استفاده شده است که مقدار محاسبه شده ۰٫۸۶ به دست آمده است. برای تبدیل داده‌های کیفی حاصل از پرسشنامه به اطلاعات کمی، از کدگذاری استفاده شده است. نمره گذاری پاسخ‌ها با طیفی ۵ درجه‌ای از ۱ (بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) تنظیم گردیده است.

برای تحلیل داده‌های حاصله از آزمون One Sample T test استفاده شده است. آزمون t تک نمونه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک نمونه از جامعه داریم و می‌خواهیم میانگین آن را با یک حالت معمول و رایج استاندارد و یا حتی یک عدد مورد انتظار مقایسه کنیم. آزمون میانگین یک جامعه بر مبنای توزیع T یک آزمون پارامتری می‌باشد که در آن به این موضوع پرداخته می‌شود که میانگین یک جامعه به چه میزان از یک مقدار ثابت بیش‌تر و یا کم‌تر است.

محدوده‌ی مورد مطالعه

شهرستان ایلام مرکز استان ایلام می‌باشد، این شهرستان با وسعت ۲۱۶۵ کیلو مترمربع حدود ۱۰/۷ درصد از وسعت استان را به خود اختصاص داده است؛ در مجموع از ۲ بخش، ۲ شهر، ۴ دهستان و ۹۸ آبادی تشکیل شده است. شهر ایلام در مختصات جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۲۸ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. مساحت شهر ۱۸۰۰ هکتار، ارتفاع متوسط این شهر از سطح دریا ۱۴۴۰ متر و از نظر تقسیمات اقلیمی در منطقه آب و هوای معتدل کوهستانی قرار دارد. جمعیت شهر ایلام بعنوان مرکز استان ایلام در سرشماری عمومی نفوس

و مسکن در سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۳۵۱۴۴ نفر بوده که از این تعداد ۱۹۹۶۰۴ نفر در نقاط شهری زندگی می‌کنند؛ از حیث جمعیت به عنوان شهرهای کم جمعیت کشور، محسوب می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۲۹).

موقعیت جغرافیایی سکونتگاه های غیررسمی شهر ایلام

محله‌ی سبزی آباد

این محله در منتهی الیه شرق و شمال شرق شهر ایلام واقع شده است. این محله از سمت غرب به بلوار عدالت و خیابان ابن سینا محدود شده و از سمت جنوب به خیابان ربابه کمالی ختم می‌گردد. مساحت محله‌ی سبزی آباد، بالغ بر ۶۱ هکتار می‌باشد.

محله‌ی بان بور

این محله کوچک‌ترین محله غیر رسمی ایلام در میان سه محله‌ی غیررسمی محسوب می‌گردد. محله بان بور از شمال به کمربندی جدید از طرف غرب به خیابان های، جانبازان، انقلاب و کمزاده از طرف شرق به خیابان استقلال و از طرف جنوب به خیابان حجاب و کانال فاضلاب موجود محدود می‌گردد. مجموع مساحت این محله ۳۸/۲ هکتار است.

محله‌ی بان برز

این محله بر خلاف سایر محلات غیر رسمی ایلام از بافت نامنظم تری برخوردار است، عبور مسیل های متعدد از درون محله و توپوگرافی ناهمگون، انسجام کالبدی محله را بشدت تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین از مشخصه های اصلی این محله، جدایی گزینی های فضایی بواسطه وجود عوامل جداکننده‌ی طبیعی را می‌توان برشمرد. این محله بزرگ-ترین محله‌ی غیررسمی شهر ایلام محسوب می‌گردد که مساحتی بیش از ۱۰۱ هکتار را دارا می‌باشد. محله‌ی مذکور از شمال به خیابان ولیعصر، از غرب به کانال فاضلاب و از شمال غرب به بلوار امام و از طرف شرق، جنوب شرق و جنوب به کمربندی جدید محدود می‌شود. این محله به نسبت دو محله‌ی دیگر شهر ایلام در سال‌های اخیر از روند توسعه‌ی کالبدی شدیدتری برخوردار بوده است. وجود اراضی قابل ساخت و ساز در شرق و جنوب محله از جمله دلایل این توسعه به شمار می‌آید.

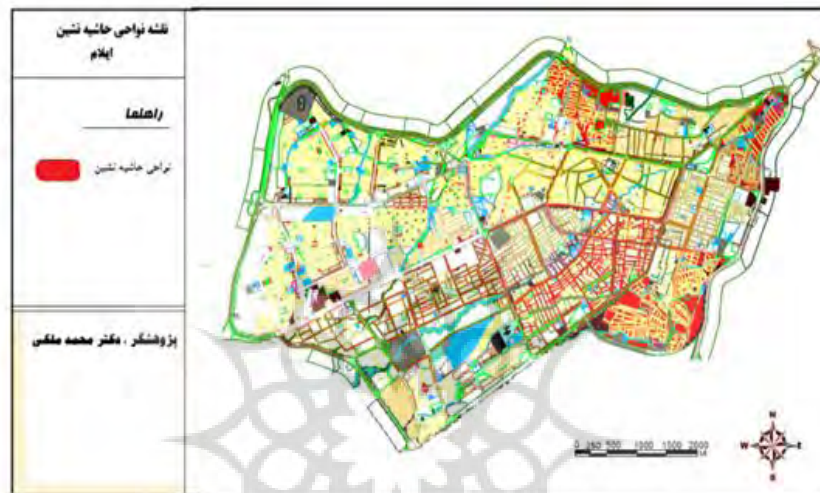
سکونتگاه‌های غیر رسمی در شهر ایلام

شکل‌گیری محلات دارای اسکان غیررسمی در شهر ایلام از جهاتی شبیه فرایند شکل‌گیری سایر کانون‌های فقر در شهرهای دیگر است. تغییر در الگوی تولید روستایی، گسترش سطح ارتباطات، ناتوانی محیط های روستایی در نگهداشت جمعیت یا به عبارتی ظرفیت پایین این سکونتگاه‌ها و احساس دستیابی به امکانات و خدمات بیش‌تر در سطح شهر از جمله وجوه مشابه گسترش محلات فقیرنشین در ایلام با سایر سکونتگاه‌های فقر در شهرهای دیگر است. اما وجه تمایز ایجاد گسترش محلات دارای اسکان غیررسمی در شهر ایلام، تحول در شیوه‌ی زندگی عشایری و کوچندگی و همچنین روستانشینی بدون پشتوانه‌ی قوی اقتصادی (دام و زمین) در طی چند دهه اخیر بوده است.

شکل‌گیری هسته های اولیه‌ی محلات سه گانه‌ی سبزی آباد، بان بور و بان برز به طور منطقی در نزدیک‌ترین فاصله به مرکز شهر شکل گرفته اند تا جایی که به مرور زمان همان هسته های اولیه اکنون یا دارای کمترین تفاوت با سایر بافت های متعارف شهری هستند و یا این که تشخیص آن‌ها بعنوان سکونتگاه غیرمتعارف بسیار مشکل است.

بر اساس مطالعات انجام شده بر روی سابقه‌ی سکونت در محلات، تاریخچه پیدایش این محلات به اواخر دهه‌ی چهل بر می‌گردد اما رشد و گسترش این محلات عمدتاً در اواخر دهه‌ی شصت تا اواخر دهه‌ی هفتاد صورت گرفته است. شهر ایلام نیز به نحو گسترده ای با معضل اسکان غیر رسمی در یک دوره‌ی طولانی مواجه است. مناطق حاشیه ای به صورت کمربندی شرق و جنوب شهر را تشکیل داده و رشد قارچ گونه این مناطق در بعضی محلات دیگر همچنان ادامه دارد و مساحت آن‌ها به بیش از ۲۰۰ هکتار رسید که در سال‌های بعد روند مهاجرت به شهر سریع‌تر گردید و اکنون به ۶۰۰۰ خانوار، یعنی یک ششم جمعیت شهر ایلام رسیده است.

نقشه (۱): محلات دارای اسکان غیر رسمی در ایلام



از دلایل رشد سریع آن می‌توان به تمرکز بیش از نیمی از امکانات و منابع شهری استان در شهر ایلام و نتیجتاً هجوم جمعیت شهرها و روستاهای استان با هدف نزدیکی به این منابع و بازار اشتغال ناشی از کار در بخش خدمات دانست. تازه واردان شهر تلاششان بر این شد تا هرچه بیش‌تر به سفره پهن شده ناشی از تمرکز بودجه و منابع، نزدیک‌تر باشند.

محلات دارای اسکان غیر رسمی تبلور تقابل حاشیه و شهر می‌باشند. بعبارت دیگر، این پدیده، تابعی از علل ساختاری مانند نابرابری در فرصت‌ها، توزیع نامتعادل ثروت و درآمد است که به شکل کالبدی اجتماعی - اقتصادی خودنمایی می‌کند. به هر ترتیب سنگ بنای محلات دارای اسکان غیررسمی، بر عدم دسترسی ساکنان آن‌ها به فرصت‌ها و در نهایت تمایزات اجتماعی و جدایی‌گزینی‌های فضایی استوار است. مجموع مساحت محلات سه گانه بان بور، بان برز و سبزی آباد حدود ۲۰۵ هکتار است. در این میان محله بان برز با ۱۰۱ هکتار وسیع‌ترین محله و بان بور با ۳۸/۹ هکتار کوچک‌ترین محله محسوب می‌گردد. لازم به ذکر است مساحت محله‌ی سبزی آباد بالغ بر ۶۱ هکتار می‌باشد (بوچانی، ۱۳۸۳: ۱۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که از تعداد ۳۹۷ نفر پاسخگویان به پرسشنامه، تعداد ۲۹۷ نفر یعنی ۷۵ درصد مرد و ۱۰۰ نفر یعنی ۲۵ درصد زن بودند. از نظر توزیع سنی پاسخ دهندگان، ۳۱ درصد زیر ۳۰ سال، ۳۶ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال، ۲۲ درصد بین ۴۵ تا ۶۰ سال و ۱۱ درصد ۶۰ ساله و بالاتر بوده‌اند. تعداد افرادی که دارای تحصیلات دیپلم و

پایین تر از آن بودند برابر با ۴۵ درصد، ۲۰ درصد دارای مدرک کاردانی و ۳۵ درصد مدرک لیسانس و یا بالاتر داشته اند. از نظر اشتغال ۱۶ درصد از مجموع پاسخگویان بیکار، ۲۷ درصد دارای شغل دولتی، ۱۴ درصد کارگر، ۳۵ درصد مشاغل بخش خصوصی و ۸ درصد دارای مشاغل دیگر بوده اند.

جدول شماره (۱) جامعه آماری تحقیق در نواحی چهارده گانه

ردیف	نام ناحیه	فراوانی	درصد
۱	سبزی آباد	۱۳۳	۳۳
۲	بان برز	۱۴۲	۳۶
۳	بان بور	۱۲۲	۳۱
۴	جمع	۳۹۷	۱۰۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت سازمان یافته که اهداف و ابزارهای رسیدن به آنها را مشخص کند و فعالیت ها را هماهنگ سازد از هم می پاشد و به بی نظمی گرایش پیدا می کند و شهر نیز که پیچیده ترین و متنوع ترین جلوه های زندگی بشری را در خود دارد بدون وجود نظام مدیریت شهری، که ضمن انجام برنامه ریزی های لازم برای رشد و توسعه ای آینده شهر، به مقابله با مسائل و مشکلات کنونی آن بپردازد بی سامان می گردد (سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۱).

مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمان توسعه شهری، به سیاست ها، برنامه ریزی ها، طرح ها و عملیاتی مربوط می شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با دسترسی به زیرساخت های اساسی مسکن و اشتغال هستند، مدیریت شهری در حوزه زمین و مسکن شهری، خدمات اجتماعی و زیربنایی، توسعه اقتصادی و زیست محیطی به طور یکپارچه وارد می شود. شرایط و محیط لازم برای موفقیت مدیریت شهری، یکپارچگی تصمیمات، داشتن اختیار بر منابع، هماهنگی و توان اجرایی و نظارتی در سطح شهر است که در صورت وجود حکومت شهری این شرایط به بهترین وجه برآورده می شود (صرافی، ۱۳۸۷: ۸۱).

شورای شهر و شهرداری ارکان اصلی مدیریت شهری در شهرهای امروزی ایران را تشکیل می دهند. در بخش تصمیم گیری شورای شهر و در بخش اجراء شهرداری ها هدایت توسعه شهری را بر عهده دارند. مقابله با فقر و تقویت اقتصاد شهری به ویژه در بخش های محروم آن و تأسیس زیر ساخت ها، مدیریت نحوه بهره برداری از زمین شهری، تأمین مسکن مناسب و ارائه خدمات شهری از جمله مهم ترین وظایفی است که بر عهده شهرداری ها می باشد (مرکز مطالعات وزارت کشور، ۱۳۷۹: ۵۴).

اسکان غیررسمی در شهر ایلام به لحاظ برخورداری از بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی باید مورد توجه مدیریت شهری قرار گیرد. یکی از موضوعاتی که در مدیریت شهری ایلام مورد بی توجهی و غفلت قرار گرفته است عدم تحقق بند ۲۱ از ماده ۵۵ قانون شهرداری می باشد که بر اساس آن شهرداری موظف به ساخت خانه های ارزان قیمت برای اشخاص بی بضاعت ساکن در شهر می باشد.

جدول شماره ۲) نتایج آزمون تی تک نمونه ای در ارتباط با ناکارآمدی سیستم مدیریت شهری و اسکان غیررسمی

نام متغیر	تعداد	میانگین فرضی	میانگین واقعی	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معناداری	سطح خطا
حمل و نقل	۳۹۷	۳	۲,۸۷	۰,۹۴۵	۳۹۶	-۱,۳۳۱	۰,۱۸۷	۰,۵
بهداشت عمومی	۳۹۷	۳	۲,۸۶	۰,۸۸۱	۳۹۶	-۱,۱۵۵	۰,۱۲۴	۰,۵
بخش درمانی	۳۹۷	۳	۲,۷۹	۰,۹۳۷	۳۹۶	-۲,۱۲۵	۰,۰۳۶	۰,۵
فضای سبز	۳۹۷	۳	۲,۴۵	۰,۹۹۲	۳۹۶	-۵,۲۸۵	۰,۰۰۰	۰,۵
فضای ورزشی	۳۹۷	۳	۲,۲۲	۰,۹۸۷	۳۹۶	-۷,۵۴۴	۰,۰۰۰	۰,۵
کیفیت معابر	۳۹۷	۳	۲,۷۸	۱,۱۳۳	۳۹۶	-۱,۸۵۰	۰,۰۶۸	۰,۵
پسماند	۳۹۷	۳	۳,۰۵	۰,۹۸۲	۳۹۶	۰,۵۳۴	۰,۵۹۵	۰,۵
امنیت	۳۹۷	۳	۳,۲۷	۰,۹۶۷	۳۹۶	۲,۷۱۱	۰,۰۰۸	۰,۵
خدمات آموزشی	۳۹۷	۳	۳,۱۰	۱,۰۹۶	۳۹۶	۰,۸۶۱	۰,۳۹۲	۰,۵
خدمات فرهنگی	۳۹۷	۳	۱,۸۰	۰,۷۴۹	۳۹۶	-۱۵,۲۶۳	۰,۰۰۰	۰,۵
دفع فاضلاب	۳۹۷	۳	۲,۹۶	۱,۰۸۴	۳۹۶	-۳,۳۸۷	۰,۷۰۰	۰,۵
خدمات برق	۳۹۷	۳	۳,۵۶	۱,۰۶۷	۳۹۶	۵,۰۱۲	۰,۰۰۰	۰,۵
خدمات گاز	۳۹۷	۳	۴,۱۲	۰,۸۴۱	۳۹۶	۱۲,۷۱۳	۰,۰۰۰	۰,۵
خدمات مخابرات	۳۹۷	۳	۳,۳۳	۱,۱۹۳	۳۹۶	۲,۶۳۶	۰,۰۱۰	۰,۵
کیفیت بنا و معماری	۳۹۷	۳	۳,۰۰	۰,۹۳۱	۳۹۶	۰,۶۲۲	۱,۰۰۰	۰,۵
مدیریت شهری	۳۹۷	۳	۲,۸۷	۱,۱۴۵	۳۹۶	-۰,۸۵۰	۰,۶۷۱	۰,۵

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

در مجموع تحلیل شاخص‌های مدیریت شهری با توجه به جدول بالا و با تأکید بر میزان t بدست آمده ($-۰,۸۵۰$) که در سطح خطای $۰/۰۵$ معنی دار است می‌توان گفت بین میانگین واقعی ($۲,۸۷$) و میانگین فرضی (۳) تفاوت معنی دار است و از آنجایی که میانگین واقعی بدست آمده کمتر از میانگین فرضی است می‌توان به این نتیجه رسید که از دیدگاه شهروندان، تمامی شاخص‌های مورد تحلیل، پایین‌تر از حد متوسط طیف لیکرت ارزیابی شده است و ناکارآمدی سیستم مدیریت شهری در شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در سطح شهر ایلام نقش تعیین‌کننده و مؤثری داشته است.

بر اساس جدول زیر و با تأکید بر میزان t بدست آمده، میزان بهره‌گیری از حکمروایی خوب شهری (با توجه به هفت شاخص: مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی، برابری و عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارآمدی) در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور در سطح خطای $۰/۰۵$ معنی دار هستند.

جدول شماره (۳): وضعیت حکمروایی خوب شهری در بین نواحی غیررسمی

شاخص‌ها	نواحی	تعداد	میانگین فرضی	میانگین واقعی	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معناداری	سطح خطا
مشارکت	بان‌بور	۱۲۲	۳	۲,۳۳	۰.۳۹۹	۳۹	-۱۰,۵۵۶	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۲,۱۸	۰.۶۳۹	۴۹	-۸,۹۹۴	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۱,۹۲	۰.۵۰۳	۵۹	-۱۶,۵۷۴	۰,۰۰۰	۰/۰۵
پاسخگویی	بان‌بور	۱۲۲	۳	۱,۹۷	۰.۴۸۵	۳۹	-۱۰,۵۵۶	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۱,۹۱	۰.۴۰۲	۴۹	-۱۹,۰۶۷	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۱,۵۰	۰.۴۸۹	۵۹	-۲۳,۷۵۸	۰,۰۰۰	۰/۰۵
قانونمندی	بان‌بور	۱۲۲	۳	۳,۲۳	۰.۳۹۳	۳۹	۳,۷۴۹	۰,۰۵۸	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۳,۰۴	۰.۷۳۳	۴۹	۰.۳۸۶	۰,۷۰۱	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۳,۴۳	۰.۷۱۱	۵۹	۴,۷۱۹	۰,۰۶۲	۰/۰۵
برابری و عدالت	بان‌بور	۱۲۲	۳	۲,۳۶	۰.۴۱۲	۳۹	-۹,۷۲۱	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۱,۹۲	۰.۴۱۱	۴۹	-۱۸,۴۵۶	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۱,۹۶	۰.۶۵۱	۵۹	-۱۲,۲۸۵	۰,۰۰۰	۰/۰۵
شفافیت	بان‌بور	۱۲۲	۳	۲,۲۴	۰.۳۶۱	۳۹	-۱۳,۲۵۲	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۱,۸۹	۰.۴۷۸	۴۹	-۱۶,۳۶۱	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۱,۹۴	۰.۶۱۴	۵۹	-۱۳,۳۱۲	۰,۰۰۰	۰/۰۵
مسئولیت پذیری	بان‌بور	۱۲۲	۳	۲,۰۱	۰.۲۹۷	۳۹	-۲۱,۱۱۳	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۱,۷۴	۰.۳۹۴	۴۹	-۲۲,۵۹۳	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۱,۳۷	۰.۴۱۳	۵۹	۳۰,۳۶۵	۰,۰۰۰	۰/۰۵
اثربخشی و کارآمدی	بان‌بور	۱۲۲	۳	۲,۴۴	۰.۲۵۴	۳۹	-۱۳,۸۶۳	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۲,۶۶	۰.۵۲۱	۴۹	-۴,۵۱۸	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۲,۲۸	۰.۴۸۸	۵۹	-۱۱,۲۶۶	۰,۰۰۰	۰/۰۵
مجموع	بان‌بور	۱۲۲	۳	۲,۳۷	۰.۱۹۳	۳۹	-۲۰,۵۷۰	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	سبزی‌آباد	۱۳۳	۳	۲,۱۹	۰.۲۳۹	۴۹	-۲۳,۷۷۰	۰,۰۰۰	۰/۰۵
	بان‌برز	۱۴۲	۳	۲,۰۶	۰.۳۹۹	۵۹	-۱۸,۱۷۱	۰,۰۰۰	۰/۰۵

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

می‌توان گفت بین میانگین واقعی (۲,۲) و میانگین فرضی (۳) تفاوت معنی‌دار است و از آنجایی که میانگین واقعی بدست آمده در نواحی بان‌برز، سبزی‌آباد و بان‌بور کمتر از میانگین فرضی است. می‌توان به این نتیجه رسید که از

دیدگاه شهروندان میزان بهره‌گیری از حکمروایی خوب شهری با توجه به هفت شاخص مورد تحلیل در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور در سطح پایینی قرار دارد.

بنابراین بر اساس نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای، شهروندان سطح حکمروایی خوب را در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور کمتر از حد متوسط ارزشیابی نموده‌اند؛ نتیجه این‌که نظام مدیریت شهری ایلام علی‌رغم تلاش‌های خود نتوانسته است رضایت شهروندان را در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور جلب نماید و سطح هفت شاخص: مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی، برابری و عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارآمدی را پایین‌تر از حد متوسط طیف لیکرت ارزیابی نموده‌اند.

برای بررسی تفاوت و مقایسه میزان بهره‌گیری از حکمروایی خوب شهری (با توجه به هفت شاخص: مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی، برابری و عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی و کارآمدی) در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور از تحلیل واریانس (روش ANOVA) استفاده شده است که نتایج این تحلیل در جدول زیر آمده است.

جدول شماره‌ی (۴) نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای مقایسه میزان بهره‌گیری از حکمروایی خوب شهری بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور

شاخص‌ها	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجموع مجزورات	F	سطح معناداری	سطح خطا
مشارکت	بین نواحی	۴,۳۹	۲	۲,۱۹۵			
	درون نواحی	۴۱,۲۲۸	۱۴۷	۰,۲۸	۷,۸۲۶	۰,۰۰۱	۰/۰۵
	کل	۴۵,۶۱۸	۱۴۹				
پاسخگویی	بین نواحی	۷,۰۷۸	۲	۳,۵۳۹			
	درون نواحی	۳۱,۲۶۶	۱۴۷	۰,۲۱۳	۱۶,۶۳۸	۰	۰/۰۵
	کل	۳۸,۳۴۴	۱۴۹				
قانونمندی	بین نواحی	۴,۲۳۳	۲	۲,۱۱۶			
	درون نواحی	۶۲,۲۵۳	۱۴۷	۰,۴۲۳	۴,۹۹۷	۰,۰۰۸	۰/۰۵
	کل	۶۶,۴۸۶	۱۴۹				
برابری و عدالت	بین نواحی	۵,۱۷۳	۲	۲,۵۸۷			
	درون نواحی	۳۹,۹۵۳	۱۴۷	۰,۲۷۲	۹,۵۱۷	۰	۰/۰۵
	کل	۴۵,۱۲۷	۱۴۹				
شفافیت	بین نواحی	۳,۰۸۴	۲	۱,۵۴۲			
	درون نواحی	۳۸,۵۷۶	۱۴۷	۰,۲۶۲	۵,۸۷۵	۰,۰۰۴	۰/۰۵
	کل	۴۱,۶۶	۱۴۹				
مسئولیت‌پذیری	بین نواحی	۹,۹۴۶	۲	۴,۹۷۳			
	درون نواحی	۲۱,۱۶۵	۱۴۷	۰,۱۴۴	۳۴,۵۳۸	۰	۰/۰۵
	کل						

				۱۴۹	۳۱،۱۱۱	کل	
			۱،۹۵۱	۲	۳،۹۰۳	بین نواحی	
۰/۰۵	۰	۹،۵۷۲	۰،۲۰۴	۱۴۷	۲۹،۹۶۸	درون نواحی	اثربخشی و کارآمدی
				۱۴۹	۳۳،۸۷	کل	
			۱،۱۵۱	۲	۲،۳۰۲	بین نواحی	
۰/۰۵	۰	۱۲،۳۵۲	۰،۰۹۳	۱۴۷	۱۳،۷	درون نواحی	مجموع
				۱۴۹	۱۶،۰۰۲	کل	

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

با توجه به جدول بالا و با تأکید بر میزان آزمون F بدست آمده در تحلیل هفت شاخص: (مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی، برابری و عدالت، شفافیت، مسئولیت پذیری، اثربخشی و کارآمدی) در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور که در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار هستند.

می‌توان گفت میانگین هفت شاخص: مشارکت، پاسخگویی، قانونمندی، برابری و عدالت، شفافیت، مسئولیت پذیری، اثربخشی و کارآمدی در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور تفاوت معنی داری وجود دارد.

بنابراین علی‌رغم تلاش‌های نظام مدیریت شهری ایلام، میزان رضایت شهروندان در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور تفاوت وجود دارد. به طور کلی با توجه به جدول بالا و با تأکید بر میزان آزمون F به دست آمده میزان بهره‌گیری از حکمروایی خوب شهری در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور که در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار است.

از این رو تفاوت معنی داری در بین نواحی بان برز، سبزی آباد و بان بور وجود دارد. بطور کلی در تحلیل شاخص‌های مدیریت شهری: (حمل‌ونقل، بهداشت عمومی و درمانی، فضای سبز، فضای ورزشی، کیفیت معابر، پسماند، امنیت، خدمات آموزشی، خدمات فرهنگی، دفع فاضلاب، خدمات برق خانگی، خدمات گاز خانگی، خدمات مخابراتی، معماری) با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، می‌توان گفت بین میانگین واقعی (۲،۲۶) و میانگین فرضی (۳) تفاوت معنی دار است و از آنجایی که میانگین واقعی بدست آمده کمتر از میانگین فرضی است می‌توان به این نتیجه رسید که از دیدگاه شهروندان عملکرد مدیریت شهری در سطح پایینی قرار دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از اهداف اصلی رویکرد حکمروایی این است که ساکنان شهرها از یک شهروند انفعالی به یک شهروند فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل شوند. در واقع با ایجاد فضای رقابتی، شهروندان را به صورت سیستماتیک در مدیریت و اداره‌ی امور خود دخیل کرده تا اقدامات ضروری در جهت بهبود امور خویش را به انجام برسانند (ملکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴).

در بررسی‌های انجام شده از محلات غیررسمی ایلام، تمامی شاخص‌ها اعم از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، زیست‌محیطی و غیره در مقایسه با سایر بافت‌های اصلی شهر، در سطح بسیار پایینی قرار دارد. به همین دلیل توجه به وجوه مختلف کاستی‌ها و کمبودها و تدوین برنامه‌ی اجرایی رفع آن‌ها می‌تواند حرکت به سمت اهداف و چهارچوب‌های مرتبط با موضوع را تسهیل بخشد.

- توسعه‌ی زیرساخت‌ها و افزایش سطح خدمات شهری و توزیع فضایی و مکان‌یابی مناسب آن‌ها در سطح محلات؛ با توجه به فشردگی بافت و عدم زمین کافی جهت استقرار خدمات گوناگون، دادن زمین‌های معوض رسمی و تسهیلات لازم به ساکنان مستقر در پهنه‌هایی که بمنظور کاربری‌های خدماتی در نظر گرفته شده است و جابه‌جایی آن‌ها در افزایش میزان رضایت‌مندی عمومی و بهبود کیفیت زندگی در محلات، مؤثر است.
- تأکید بر مدیریت یکپارچه شهری با توسعه و تقویت پایداری اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی محلات غیررسمی، با تأکید بر نقش مردم، نهادهای مردم‌بنیان، شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی و نقش تسهیل‌کنندگی دولت.
- ضرورت ایجاد و تأسیس ساختاری توانبخش که درصدد ارتقاء توان مهارت‌های فنی حرفه‌ای و سطح دانش ساکنین محلات غیررسمی باشد؛ بسیار کلیدی است. ایجاد ساختاری که به توانمندسازی ساکنین به خصوص قشر جوان، از طریق آموزش مهارت‌های شغلی علمی، اجتماعی و گذران اوقات فراغت بیانجامد؛ که برای هر یک از محلات باید بطور جداگانه ایجاد گردد. ضرورت اولویت ساماندهی معابر، جمع‌آوری زباله، روکش آسفالت و هدایت آب‌های سطحی، اختصاص فضاهای فرهنگی، ورزشی و هنری از دیگر موارد می‌باشد.
- ضرورت تأمین نیازهای سکونتی گروه‌های کم‌درآمد شهری و دسترسی آن‌ها به خدمات پایه باید در کانون توجهات مدیریت شهری ایلام قرار گیرد.
- در اولویت اول تقاضای اهالی ساماندهی شبکه‌ی معابر برای ایجاد حداقل دسترسی وسایط نقلیه‌ی عمومی و خصوصی به منظور دسترسی راحت به خدمات عمومی درون محله‌ای و برون محله‌ای است. هم‌چنین ساماندهی آمد و رفت پیاده که عموماً شبکه‌ی کوچ‌ها را شامل می‌گردد (زیرسازی، آسفالت، دفع آب‌های سطحی) اولویت بعدی اهالی در این زمینه اعلام شده است.
- دسترسی حداقل مطلوب به سایر خدمات زیربنایی، در این مورد حل مسائل و مشکلات شبکه‌های آبرسانی و هم‌چنین بهبود محیط زیست محلات نیز از نیازهای اصلی ساکنان محلات است.
- دسترسی به خدمات عمومی، در اولویت اول احداث مراکز درمانی برای هر یک از محلات، ایجاد مدارس راهنمایی، دبیرستان و فضاهای ورزشی روباز و سرپوشیده، ایجاد پارک‌ها، فضاهای سبز و فضاهای فرهنگی (کتابخانه و کانون‌های فرهنگی و غیره).
- نیازهای اقتصادی، نیازهای عمومی اقتصادی، اصلی‌ترین موضوع ساکنان محلات غیررسمی شهر ایلام است که به شرح ذیل از سوی اهالی در اولویت می‌باشند.
- حل معضلات بیکاری جوانان که دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند، کاهش هزینه‌های خدمات زیربنایی و عمومی برای اهالی، ایجاد تعاونی‌های اشتغال در محلات و مؤسسات تولیدی، افزایش سطح درآمدهای عمومی، بهبود فرصت‌های اشتغال رسمی محلی به منظور رفع فقر و افزایش سطح درآمد خانوارها و افزایش توانمندی مالی مردم و نهادهای مردمی در مدیریت مشارکتی
- نیازهای اجتماعی، ایجاد امنیت اجتماعی از طریق ایجاد پاسگاه‌های نیروی انتظامی در هر یک از محلات، کمک به اهالی در ارتباط گیری با سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با محلات غیررسمی، جلوگیری از رشد مسائل اجتماعی نظیر اعتیاد در سطح محلات غیررسمی، افزایش کلاس‌های سوادآموزی و آموزش‌های حرفه‌ای
- توزیع خدمات محلات بر اساس عدالت، کارایی و اثربخشی
- تبعیت از یک قاعده‌ی کلی در توزیع خدمات عمومی نقش موثری در موفقیت طرح‌های شهری و میزان رضایت‌مندی ساکنان دارد. این الگو می‌بایست امکان مناسب‌تری را برای دریافت خدمات عمومی فراهم کند و نقاط ضعف پیشین را کاهش داده و از ظرفیت‌های ممکن استفاده بهتری شود. در الگوی بهینه ضمن بالا بردن ضریب دسترسی ساکنان به خدمات عمومی به ترمیم ساخت بافت محلات و پیوستگی محلات نسبت به یکدیگر و بدنه‌ی اصلی کمک می‌کند به این

ترتیب کانون توجه این الگو علاوه بر زمین‌های پراکنده درون بافت و امتداد معابر اصلی به زمین‌های وسیع بین محلات نیز معطوف می‌باشد.

- تشدید ساز و کارهای نظارتی به منظور جلوگیری از ادامه‌ی ساخت و سازهای بی‌رویه در محلات
 - تضمین حق سکونت و رسمی شدن مالکیت آنان
 - سازماندهی مدیریت امور به دست خود مردم در تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت.
 - تهیه‌ی برنامه‌ی کارآمد جهت پرداخت وام‌های کم‌بهره و طولانی مدت به اقشار فقیر جامعه در زمینه‌های تأمین مسکن و کارآفرینی، بر اساس توان افراد، در صنف‌های مختلف.
 - مهم‌ترین و ضروری‌ترین راه‌کار مناسب در سطوح مختلف جامعه، آموزش و ارتقاء سطح آگاهی مردم در زمینه‌های مختلف زندگی می‌باشد.
- در زمینه‌ی مشارکت:

- استفاده از نظرات شهروندان خصوصاً افراد تحصیل کرده و دانشگاهی با ایجاد نشست‌های تخصصی؛ - دعوت به همکاری شهروندان در زمینه‌های مختلف خصوصاً دانشجویان که دارای وقت آزاد و انرژی بیش‌تری نسبت به سایر شهروندان هستند؛ - اجرای برنامه‌های همگانی مانند نظافت پارک‌ها و غیره؛ - انتخاب یک فرد معتمد از هر محله برای شرکت در جلسات شهرداری و شورای شهر و ارائه گزارش ماهانه به نمایندگان مردم باعث اعتمادسازی و افزایش مشارکت خواهد شد؛ - جلب نظر شهروندان در رابطه با کمک‌های مالی آن‌ها برای رفع مشکلات شهر.

در زمینه‌ی پاسخگویی:

- وجود ساز و کار ارتباطی مناسب تر تا شهروندان بتوانند به راحتی با مدیران شهر ارتباط برقرار کرده و مشکلات خود را بیان کنند؛ - تهیه‌ی گزارش سالانه شهرداری با عنوان عملکرد شهرداری و توزیع آن در سطح شهر؛ - افزایش نقش و وظیفه شهردار محله برای این‌که افراد نواحی مختلف برای رفع مشکلات خود به آن‌ها مراجعه کنند؛ - برگزاری کلاس‌های آموزشی برای کارکنان شهرداری؛ - برگزاری جلسات ماهانه‌ی اعضای شورای شهر با نمایندگان مختلف مردم و توجیه آن‌ها نسبت به وظایف شورا و ارائه گزارش عملکرد به آنان.

در زمینه‌ی کارایی و اثربخشی:

- هزینه‌کرد بهینه‌ی عوارض به طوری که شهروندان صرف‌شدن آن را برای محله و شهر خود متوجه شوند؛ - نظارت بیش‌تر مدیران شهری برای اجرای قوانین و مقررات شهری؛ - گسترش فضای سبز برای همه‌ی محلات با توجه به سرانه‌های استاندارد؛ - توجه به کیفیت شبکه‌ی معابر - نظارت بیش‌تر شهرداری بر کارهای عمرانی.

- توجه بیش‌تر به زیباسازی شهر و استفاده از مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی در میدان‌های اصلی شهر؛ - ایجاد مراکز تفریحی بیش‌تر در سطح شهر

در زمینه‌ی پاسخگو بودن؛ - مسئولیت‌پذیری و قانون‌مندی مدیران شهری در برابر وظائف و عملکردهای خود در برابر مردم از طریق برگزاری جلسات عمومی در محله‌ها برای ارائه‌ی گزارش عملکرد و تشویق شهروندان برای شرکت در بحث‌های عمومی و مورد علاقه‌ی آن‌ها؛ - توجه بیش‌تر به شاخص پاسخگویی به دلیل داشتن پایین‌ترین جایگاه در بین شاخص‌های دیگر و انجام اقدامات زیر در راستای بهبود جایگاه این شاخص؛ - ایجاد بخش خاصی در شهرداری که شهروندان کارهای کوچک خود را از طریق ارتباط تلفنی گزارش دهند؛ - تدوین برنامه‌ها و پروژه‌های عمرانی آتی و ارائه آن به مردم؛ - در دسترس قرار دادن طرح‌های تفصیلی و جامع؛ - تشکیل جلسات ماهانه‌ی شهرداری و دعوت از صنف‌ها و ارگان‌های مختلف برای هماهنگی بیش‌تر؛

- ایجاد، تقویت و توانمندسازی تشکل های مردمی در سطح محلات و نواحی شهر از طریق برگزاری جلسات منظم و پیوسته در شهرداری و رایزنی درباره‌ی مشکلات شهر با شوراها و مدیران شهری
- ایجاد فرصت های مناسب و برابر برای تمامی مردم برای عضویت در انجمن های محلی و شورایی
- تخصیص عادلانه‌ی منابع و امکانات در سطح نواحی شهر و مشارکت تمام مردم در اعلام نظر و تصمیم گیری.

منابع و مأخذ

- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۷). جایگاه بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات فقیر، هفت شهر، دوره‌ی ۲، شماره‌ی ۲۳-۲۴، صص ۴۰-۴۹.
- پاپلی یزدی، محمد حسین؛ حسین رجبی سناجردی (۱۳۸۲). نظریه های پیرامون شهر، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- پرهیزکار، اکبر (۱۳۹۰). چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه‌ی پایدار شهری، فصلنامه‌ی جغرافیایی سرزمین، سال هشتم، شماره‌ی ۳۲، صص ۴۳-۶۶.
- پیری، عیسی؛ زالی، نادر؛ تقی لو، علی اکبر (۱۳۹۱). امکان سنجی بکارگیری رهیافت‌های توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ناحیه‌ی گلشهر مشهد، مجله‌ی مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال سوم، شماره‌ی دوازدهم، صص ۱۱۹-۱۳۴.
- ترابی، علیرضا (۱۳۸۳). مدیریت پایدار شهری در گرو حکمروایی خوب، نشریه‌ی شهرداری ها، تهران، شماره‌ی ۶۹.
- داداش پور، هاشم، حسین آبادی، سعید، پورطاهری، مهدی (۱۳۹۱). تحلیل نقش توانمندسازی ساکنان در بهسازی کالبدی- محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه‌ی موردی: محدوده‌ی شرق کال عیدگاه شهر سبزوار، مجله‌ی جغرافیا و برنامه ریزی، دانشگاه تبریز، سال ۱۶، شماره‌ی ۴۱، صص ۹۵-۱۲۷.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۸۳). مدیریت شهری، جلد یازدهم، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری ها، تهران.
- شماعی، علی؛ آدینه‌وند، علی‌اصغر؛ حاجی‌زاده، مریم (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها بر اساس حکمروایی خوب شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر یاسوج)، فصلنامه‌ی مطالعات مدیریت شهری سال چهارم، شماره‌ی یازدهم، صص ۱-۲۰.
- شیخی، محمد (۱۳۸۵). مدیریت شهری و سکونت گاه های خودرو در منطقه‌ی کلانشهر تهران، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، شماره‌ی ۱۸، صص ۷۴-۸۷.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱) الف. به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیر رسمی، فصلنامه‌ی هفت شهر، سال سوم، شماره‌ی ۹ پیاپی ۱۰.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱) ب، به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی از حاشیه نشینی تا متن شهری، فصلنامه‌ی هفت شهر، تهران، شماره‌ی هشتم، صص ۵-۱۱.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۷). تحلیل عوامل مؤثر اسکان غیر رسمی در ایران، شیراز: انتشارات معاونت شهرسازی و معماری شهرداری شیراز.
- قرخلو، مهدی؛ شریفی، عبدالنبی (۱۳۸۳). پیدایش، تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی- اقتصادی حاشیه نشینی (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی عین ۲ اهواز)، مجله‌ی پژوهش های جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره‌ی ۵۰.
- کاظمی، لیلا (۱۳۸۳). نگاهی به پدیده‌ی حاشیه‌نشینی و علل آن، مجموعه مقالات همایش مسائل شهرسازی ایران، جلد دوم، مدیریت شهری، دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه شیراز.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۹۵.

- مشکینی، ابوالفضل؛ سجادی ژیلا، دین دوست جواد؛ اکرم، تفکری (۱۳۹۰). ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی با شیوهی توانمندسازی، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۲۶، شماره‌ی سوم، صص ۱۴۸-۱۲۳.
- ملکی، سعید، زارعی، جواد، زاد ولی خواجه، شاهرخ (۱۳۹۷). ارزیابی شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری با رویکرد مدیریت محله محور (مورد شناسی: محلات شهر همدان)، فصلنامه‌ی جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای، سال هشتم، شماره‌ی ۲۹، صص ۶۱-۷۴.
- مهدیزاده، جواد و همکاران (۱۳۸۶). برنامه ریزی راهبردی توسعه‌ی شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- مهندسین مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۵)، مطالعات شهرنگر توانمندسازی اسکان غیررسمی شهر همدان، سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- هادی‌زاده بزاز، مریم، (۱۳۸۲). حاشیه‌نشینی و راه‌کارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات آذربرزین، چاپ ۲، مشهد.
- هیراسکار، جی کی (۱۳۷۶)، درآمدی بر مبانی برنامه ریزی شهری (ترجمه‌ی محمد سلیمانی و احمد رضا یکانی فرد)، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۲). توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی، مصوب سازمان عمران و بهسازی شهری، هیأت وزیران دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی، تهران.
- Downer, Alexander (2000), Good Governance (Guiding principles for implementation), Australia, Canberra Mailing Centre.
- Kadago, Joseph, Sandholz Simone, Hamhaber Johannes (2018); Good urban governance, actors relations and paradigms: Lessons from Nairobi, Kenya, and Recife, Brazil, 46th ISOCARP Congress.
- Lewis, Dan and Jana Mioch, (2005). Urban vulnerability and good governance. 16. UN-HABITAT, 2009. Urban Governance index (UGI) a tool to measure progress in achieving good urban governance. www.unhabitat.org.
- Morita, Sachiko and Zaelke, (2007) Rule of law, Good Governance and Sustainable Development. Routledge, London Ec4p4EE.
- Narayan Deepa (2002), Enabling and Poverty reduction; a source book, the World Bank press.
- UNCHS, (1997). United Nations Commission on Human Settlements 18.
- Unchs, (2000). Norms or Good Urban Governance, www.UNCHS.org.
- UN-HABITAT, (2003). Urban Management Program (UMP), what is the Urban Management Programme.